

الحمد لله مطلق

حسین کاو



منشی مہربان دیکھا
سنگھار، سید، ۲۰۱۹ء

۱۳۹۳

سرشناسه	:	کاوه تلاوکی، حسین، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	آبی مطلق / حسین کاوه.
مشخصات نشر	:	نکا : نشر مهربان نیکا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۰ ص.
شابک	:	۹۲۲۹۶-۱-۸ ریال ۱۲۰۰۰۰
موضوع	:	فیفا
رده بندی کنگ	:	نثر فارسی -- قرن ۱۴.
رده بندی دی	:	PIR ۱۸۴ الف / ۱۳۹۲۸۱۵ ۲۲
شماره کتابخانه	:	۸۶۲/۸۴۸
	:	۳۴۲۸۲۷۵



نشر مهربان نیکا
تاسیس ۱۳۷۳

• عنوان کتاب : آبی مطلق

• نویسنده : حسین کاوه

• نمونه خوان و ویراستار: علی رحمان پرست

• عنوان نشر : مهربان نیکا

• نوبت چاپ و سال چاپ : اول ۱۳۹۳

• شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

• محل نشر : مازندران - چاپ و صحافی : وظیفه

• قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان

• نشانی انتشارات : نکا- صندوق پستی : ۱۱۷-۴۸۴۱۵

• تلفن ثابت : ۰۱۵۲۵۶۲۳۶۴۰ - تلفن همراه : ۰۹۳۰۱۵۷۲۶۳۷

• نشانی سایت : www.mehrabannika.com

• Email : mehrabane.nika91@yahoo.com

• حق چاپ برای انتشارات مهربان نیکا محفوظ است. نقل قول با ذکر منبع مانعی ندارد.

فہرست

۱۱	آغازین.....
۱۷	تنہا می خواہم بنویسم...اما.....
۲۵	آبی مطلق.....
۳۷	پیشہ ہا.....
۴۷	ثبیا.....
۵۳	مرد یا زن.....
۵۹	زمان.....
۶۸	فصل عشق.....
۶۹	اما عشق.....
۷۵	احرام بزرگی در نگاہ من.....
۷۷	حافظ.....
۸۳	آزادی.....
۸۹	علی و عدالت.....
۹۹	اہرام شیطانی.....
۱۰۱	دنیا.....
۱۰۹	آدم خوار.....
۱۱	ابلیس.....
۱۲۹	عاشقانہ ہا.....
۱۳۱	بہ یاد تو.....
۱۳۳	سخاوت.....
۱۳۵	ندامت.....

- ۱۳۷..... قافیه های غفلت
- ۱۳۹..... آدمک
- ۱۴۱..... نبض راکت
- ۱۴۵..... حصار تنهایی
- ۱۴۷..... ره
- ۱۴۹..... باد
- ۱۵۱..... طواف
- ۱۵۵..... خدا
- ۱۵۷..... دیوار دل
- ۱۵۹..... دلم تنگ است
- ۱۶۳..... نیایش
- ۱۶۷..... گردنه های عبور از نگاه
- ۱۷۳..... لکنت کلمه ها
- ۱۷۵..... درام ناموزون
- ۱۷۹..... خلوت تار
- ۱۸۱..... دلی که پر کشید
- ۱۸۵..... آشیان شوم
- ۱۸۷..... تکرار
- ۱۸۹..... نقاشی سایه ها
- ۱۹۱..... مترسک خفته
- ۱۹۳..... پناهم باش
- ۱۹۷..... خشم واژه ها

مقدمه ناشر

کتاب عصاره اندیشه یک ملت است. گاه یک حرف به اندازه یک واژه می‌ارزد و گاه یک واژه به اندازه یک جمله و یک جمله نیز به اندازه یک کتاب؛ در این اثر خلافت نویسنده در جمله بندی و انتخاب واژه‌ها و گاه خلق واژه‌هایی نو و پرمایه چون «گاه نو» به جای تقویم، «باد کوب» به جای خاطره و ... دیده می‌شود.

نویسنده به دنبال تولید از دیگران نیست؛ حتی برغم ذوق شاعری، متن ادبی را بیشتر می‌پسندد هر چند قلم ساده‌ای نیست اما قلمش، در نگارش نو آوری‌ها کم نمی‌آورد. جوانی که خدا را می‌بیند و او را ستانه گپ می‌زند و به نجوا با پروردگار می‌پردازد و گله‌های خود را عاشقانه مطرب می‌سازد بدین طریق طرحی نو در می‌اندازد.

در برخی از بخش‌های کتاب می‌توان به لطافت کلام را ردیابی کرد. امید است خوانندگان از این اثر نویسنده بهره لازم را ببرند. این اثر به امتیازات آمادگی دارد قلم و قدم نویسندگان گرامی را ارج نهاده تا مسیر علم و فرهنگ روشن گردد.

مدیر نشر پیران نیکا

پیش گفتار

قدم به سکنای عبور، صبر در تهاجم زمان، هیچ گاه بازی نیست و این رئال رو به مرگ، بستری است برای تأمل.

تبلیک ذهن، سلوک تفکر است و اندیشه هایت که با احساس عجین شود، بر توازن بصر، نورت، باید کلمه ها را رسوا کنی و بنگاری.

آبی مطلق، یک سبک است که منظومه های دیدنم را به نثر سپرد. این صفحه های سیاه، سطرهای بدنه نثر، نگاه معبود پُر است و نمایشش در دفتر من، کمترین سهم از من و والاترین نور در دستم گرفت.

دغدغه های فریاد، وصی به نیت، سوخ کند، دیگر با ملایمت، نمی توان در آغوش طوفان نشست.

در دو کتاب قبلی آم (کارن و مجنون) اگر اندیشه، اصل را بر نقد اجتماع و شخصیت های مشهود و نامرئی، از چشم های عادت خورده به انسان ها گزارده ام، اما نمی شد و شاید نتوانستم رُک و بی حاشیه، به قلّه ای که با از دست رفتن ما، آزاد کند برسم. اما آبی مطلق، خروشی است که امواجش، مرا آرام می کند و حرف های این کتاب، که مجموعه ایست از خلاصه کتاب های بعدی من، متوازن است با معنای سند و هویت نفس هایم، که دارند رام می شوند و من احساس می کنم با این کتاب، صفت خورده ام؛ از تمام زنگارهایی که به نام غم بر من رخنه کرده بود.

از جاذبه های جنون، تا جرم های زمین و کیهکشان عاشقانه ها و یا ظلم زمان، من به یک نقطه آبی خیره می شوم که نقشش زیبا و شرافتش بی پایان است. تنها بهانه لذت، تسهیم شور و شوقی است که به انزوای من توان تجربه کرد و مخاطب، یعنی صدایی که بازتابش برای تو شعور می شود و نگفته هایت را شنیدنی می کند. مخاطب، بزرگترین وارث قلم هر نویسنده ای است و من امیدوارم، این ارثیه به جا مانده، از جوهری که بر

کاغذ نقش بسته بر اندیشه و قلب مخاطبانم، حتی در گوشه ای به یادگار حک شود و شاید همین بس است و کافی است که دیگر هیچ نگفت و نوشته ها را تقدیم کرد. در پایان از نشر «مهربان نیکا» برای همکاری و آماده سازی کتاب تشکر می کنم.

حسین کاوه

در آسمان، حرف نمی شنیدم خورشید بود که روز به زمین می خورد و همه جا را روشن می کرد اما شب را با افتش سیاه می ساخت. خدا خندید و گفت من ماه را به شب های زمین می دهم که تاریکی نباشد.

دیگر آسمان ساکت بود و هر چه می شنیدند، خدا از بین تمام خلقتش، برای زمین نگاهی دیگر گرفته است، چون آدم آن را دید و خدا هیچ موجودی را مثل انسان دوست نداشت....